

علی بن ابی طالب و در جنت حجره نیست که شای از شاخهای آن درخت در آن نباشد **منقبت**
 قوله تعالی وَفَادَى أَصْحَابِ الْأَعْرَافِ رَجَالًا يَعْرِفُونَ سِمَاتِهِمْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ
 اصحاب اعراف برومانی که ایشان را بسیار نشان می شناسند و اعراف کوهی است در
 جنت از امیرالمؤمنین مرویت ما اینم اصحاب اعراف هر که ایشان را می شناسیم داخل کنیم در جنت
منقبت قوله تعالی فَوَادَىٰ ذُنُوبَنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا
 یعنی بعد از آنکه میراث دادیم کتاب را بکسانی که بر گردیم از بندگان خود امیرالمؤمنین
 فرمود **وَحَسْبُكَ أَوْلِيَاكَ** یعنی ما اینم آن کرده **منقبت** قوله تعالی حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ
 الْوَكِيلُ فَأَقْبَلُوا بِنِعْمَةٍ مِنْ اللَّهِ وَفَضَّلَ الْأَيُّهُنَا رَافِعَ مَرَدِيَّتَ كَرِيمٍ
 که میرد ایشان امیرالمؤمنین علی نازل شده زیرا که رسول صلی الله علیه وآله وسلم امیر علی
 با چند نفری بطلب ابوسفیان دستا و اعرابی از بنی خزاعه ایشان را دیده گفت بهستی که
 قوم ابوسفیان و اتباع او اسباب جنگ از بهر شما جمع کرده اند امیر گفت **حَسْبُنَا اللَّهُ**
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ **منقبت** قوله تعالی إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَةُ
أُولَٰئِكَ مَعَهَا مَبْعَدُونَ یعنی بهستی که آن کسانی که سابقه نیکوئیها حاصل
 ایشان از ما کرده اند از بهر شما دور کرده شده اند از نعمان بشیر مرویت که آیه مسطوره در شان
 مرتضی علی کرم الله وجهه نازل شده زیرا که امیر شعیب این آیه تلاوت کرده گفت من از آنکس
 که سابقه حسنی ایشان را حاصل است و چون اقامت صلوة گفتند بنماز برخاستند
 میخواند **لَا يَسْمَعُونَ حَسْبَيْهَا** یعنی نمی شنوند بانگ آنرا آنانکه ایشان را سابقه حسنی
 حاصل است **منقبت** قوله تعالی فَاذْكُرْ مَنْ مَوَّذَّنَ أَنْ لَعَنَ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ

اخذوا وادبهم لهنوا ولعبا یعنی آگاه گردانید آگاه گشته میان مردمان که تحقیق لغت
 خدای باد بر کافران که دین خود بلبو و لعب و زکرفه اند از امام محمد باقر رضوان الله علیه است
 که این آگاه گشته امیر المؤمنین علی است منقبت قرانعالی من جاء بالحسنة
 فلهما عتق امثالها یعنی هر که در قیامت با حسنه و نیکوئی آمد او را ده حسنه ان شود
 و جزا بود و مرتضی علی فرمود الحسنة حبتا والسئنة بغضنا یعنی نیکوئی محبت است
 و بدی دشمنی است شیخ ابابکر طایب اومی گوید در خانه کعبه که بود منزل تو و زنی
 اگر رفته باشد کل تو که در علی نباشد اندر دل تو مسکن تو و سبهای سچا صلح منقبت
 قرانعالی من جاء بالحسنة فله خير منها ومن فرغ امنون ومن جاء بالسئنة
 فكبت وجوههم في النار یعنی هر که در قیامت نیکوئی آید او را بهترین از آن
 ثواب است و آنکه بدین صفت موصوف اند از ترس از روز این اند و هر که بدی آورد و در
 بروی در افتاد امیر المؤمنین کرم الله وجهه فرمود الحسنة حبتا اهل البيت والسئنة
 بغضنا من جاء بها الكفة الله على وجهها النار یعنی حسنه محبت است
 که اهل بیت رسولیم و سئنه بغض ما هر که بسینه آمد حق سبحانه او را در آتش بروی افکند قطع
 است از هر دوستان علی حبت و خلد و ثمرت کوثر که بودی ز بهر اعیانش نافریدی خدا
 ناسق دوستی علی است آن حسنات که دارد در سنیات خضر دشمنی علی است سئنه که هر
 غیر است با وی شر منقبت قرانعالی والذین يؤذون المؤمنین والمؤمنات
 بغیر ما اکتبوا مغان بن سلیمان گفت این آیه کریمه در شان امیر المؤمنین نازل شده
 زیرا که نفی چند از اهل نفاق انفاق نموده ایذای امیر میکردند و بروی دروغ می بستند

منقبت قوله تعالى **وَشَاقُوا الرِّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا قَبِلْتُمْ لَهْتُمْ لِعِنِّي مَخَافَتِ**
رسول کردند بعد از آن که ظاهر شد ایشان راه هدایت از امام محمد باقر رضوان الله علیه است
که گفت **شَاقُوا الرِّسُولَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ عَسَىٰ مَصْطَفَىٰ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**
کردند در کار مرضی علی کریم الله وجهه **منقبت** قوله تعالى **وَإِذْ أَنْزَلْنَا مِنَ اللَّهِ**
وَسُورَةَ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ عسای اعلام و آگاه کردن حاصل شد از خدای
تعالی در رسول و بسوی مردمان روز حج اکبر که خدا و رسول برمی و پزار است از مشرکان این مرد
در مناقب گوید جمهور عسیرین متفق اند که این آگاه کردن اشارت است بآنکه امیر المؤمنین علی
آگاه کردند بان جبل آیه که خوانده از سوره برآست و این واقعه چنان بود که مصطفی صلی الله علیه
وآله وسلم سوره مذکور را بدست ابو بکر رضی الله عنه داده بسوی مکه موعظه فرستاد که برآوردن
بخوانند بعد از روز مرضی علی را شتر خود داده روانه کرد تا سوره مذکوره را از ابو بکر گرفته برگشت
خواند و سرمود مامور شده ام برسانیدن این سوره که من باشم یا کسی که از من باشد
منقبت قوله تعالى **وَلْتَعْرِفْنَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ** ابو سعید خدری گوید **لَتَعْرِفْنَهُمْ**
فِي لَحْنِ الْقَوْلِ بیغض علی بن ابی طالب یعنی البته شناسی منافقان را در لحن قول و بدی
گفتار ایشان بسبب خصومتی که با مرضی علی دارند **منقبت** قوله تعالى **أَحْسِبَ**
النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتِنُونَ یعنی آیا مردمان پنداشته
که متروک و معاف میشوند که گویند ایمان آوریم و ایشان آزموده نشوند از امیر المؤمنین کریم
الله وجهه و است که من از رسول پرسیدم بچه چیز آزموده خواهند شد و نمود تصدیق **منقبت**
منقبت قوله تعالى **أُولَئِكَ رَحِمْنَا بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ**

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ لَعْنَى أُولَ الْأَرْحَامِ وَخَوِثِيَانِ نَزْدِيكَ كَمَا مُؤْمِنٍ بَاشْتَنْدِ وَ
 مَوَاجِرٍ مَهْدِيكَ لِحَقِّ دَاوِلِي أَنْدِ وَكِتَابِ اللَّهِ اتِّفَاقِ مَفْسَرَانِ هَسْتِ كَمَا ائِيْذِ وَرِشَانِ ائِيْزِ الْمُؤْمِنِيْنَ
 عَلِي نَازِلِ شَدِّ زِيْرَاكَ مُؤْمِنٍ وَ مَوَاجِرِ وَ خَوِثِيْرِيْكَ رَسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اُوْبُوْدِ مَنِ حَلِيْقِ
 اَبْسَانِيْ بَعُوْتِ اَيْمَانِ مَدْحِ حِيْدِ رِيْكَوْمِيْ اَزْدِ اَوْ جَانِ اَنْ رَفِضَلِ اَنْتِ سَرَايِ فَضُوْلِ اَنْ عِلْمِ دَاوِلِ
 عِلْمِ دَاوِلِ رَسُوْلِ هَسْمِ نَبِيْ رَاوِضِيْ وَ سَمِ دَاوَادِ حِشْمِ مَغِيْرِ اَزْ جَالِشِ شَادِ مَرْتَضِيْ كَمَا كَرُوْدِ زِيْرُوْشِ
 مِهْرِهْ جَانِ مَصْطَفِيْ جَانِشِ بَرُوْدِيْكَ قَبْلَهُ وَ خُوْدِشَانِ دُوْ بَرُوْدِيْكَ رُوْحِ كَالْبِدِشَانِ دُوْ دُوْرُوْدِيْ
 چُوَاخْتَرِ كَرُوْدِ دُوْ بَرُوْدِ اُوْرِ چُوْمُوْسِيْ وَ مَارُوْدِ نَايِبِ مَصْطَفِيْ بَرُوْدِ خَيْرِ كَرُوْدِ بَشَرِخِ خُوْدِ مَرُوْدِ
 مِيْرِ اِيْ خُوَارِجِ اَكْرُوْرِ مِهْتِ شَكِيْ هَسْتِ كَفُوْدِيْنِ نَزْدِ تُوْرِ جَبَلِ مَكِيْتِ مَنْقَبْتِ قَوْلِ
 تَعَالَى وَالْعَصْرَانِ اَلْاَدِيْشَانِ لَفِيْ خُسْرِيْ اَلْاَلْذِيْنَ اَمَنُوْا وَ عَمَلُوْا الصَّالِحَاتِ
 اَزْ عِبْدِ اللّٰهِ اِيْنِ عَبَّاسِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا مَرُوْدِيْتِ كَمَا كَفْتِ مَرَادِ اَزْ اِيْنِ اَلْاَدِيْشَانِ لَفِيْ خُسْرِيْ
 اَبُوْ جَبَلِ لَعِيْنِ هَسْتِ وَ اَزْ اِلَّا اَلْاَلْذِيْنَ اَمَنُوْا اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ سَلْمَانِ مَنْقَبْتِ
 قَوْلِ تَعَالَى وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالْقَبْرِ عَيْسِيْ وَ صِيْتِ كَرُوْدِ بَا مَهْدِيْكَ حَقِّ
 تُوْ صِيْتِ نُوْدِندِ بَا سَمِ صَبْرِ اَزْ اِيْنِ عَبَّاسِ مَرُوْدِيْتِ كَمَا كَفْتِ بَدْرِ سَتِيْ كَمَا ائِيْذِ وَرِشَانِ
 اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِي نَازِلِ شَدِّ مَنْقَبْتِ قَوْلِ تَعَالَى وَ اَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتَابًا بِيْمِيْنَةٍ
 قَوْلِ تَعَالَى هَلْ لِيْ تَوِيْ هُوْ وَ مَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلِيٌّ صِرَاطِ مَسْتَقِيْمِ قَوْلِ تَعَالَى
 وَ يُوْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهُ قَوْلِ تَعَالَى اَدْعُوا اِلَى اللّٰهِ عَلِيٌّ بِصِيْرَةٍ اَنَا وَ مَنْ اَتَّبَعَنِيْ
 قَوْلِ تَعَالَى فَمَنْ يَعْلَمِ اِيْتَا اَنْوَالَ اِلَيْكَ مِنْ وَ بِيْكَ الْحَقُّ قَوْلِ تَعَالَى وَ بَشِّرِ الْحَسَنِيْنَ
 اَلْذِيْنَ اِلَى قَوْلِ تَعَالَى وَ مِمَّا رَفَقْنَا هُمْ بِفَعْقُوْنِ اَزْ اَمَامِ حُجْرٍ صَادِقِ رِضْوَانِ اَللّٰهِ عَلَيْهِ

مردیست که آیات مطوره در شان امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه نازل شده مؤلف است
 از این کرمه فلیعلک تارک لعض منایوحی جمیع آیات راتا اینجا از مناقب طراز التحذیرین
 حافظ ابن احمد موسی بن مردویه نقل کرده منقبت قوله تعالی اَمْ حَسِبَ
 الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا سَوَاءً حَيَاتِهِمْ وَمَمَاتِهِمْ
 سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ بسنی آیا پنداشند آنها که سیئات در بهر با ما حشد این که کرد این
 ایشان را همچو آنکه ایمان آوردند و عمل نیک کردند برابر در حیات و ممات چه بد نمود و او را بی
 خطیب خوارزم در مناقب می آرد که این آیه کرمه نازل شد در شان امیرالمؤمنین علی و حمزه
 و عبیده بن الحارث در غزای بدر چون مبارزت کردند جهت قتال عبیده و شیبیه و ولید بن
 منقبت قوله تعالی مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ
 عَلَيْهِمْ مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ مَجْبُهُمْ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْتَمِزُ لَعِينِي أَرْجُلُهُمْ مَنْ مَرَدَانِي بَشَرًا
 در است گفتند و بجای آوردند آن عهد و پیمان را که با حق تعالی بسته بودند بعضی از ایشان
 شیبیه شدند و بعضی از ایشان مقرر اند هم در مناقب خطیب مطوره است که این آیه
 در شان امیرالمؤمنین علی و حمزه و عبیده نازل شده و مراد از فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ مَجْبُهُمْ
 عبیده و حمزه اند رضی الله عنهما که عهد کرده بودند در هیچ غزایت ننگند بدشمن و
 همچنین در غزای جواد کردند تا شیبیه شدند و مراد از وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْتَمِزُ لَعِينِي ابی
 طالب است منقبت قوله تعالی يُوفُونَ بِالنَّذِيرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
 كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِمْ سِكِينًا وَيَتَذَكَّرُونَ
 أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا إِلَىٰ آخِرِهِ

و در مناقب امیرالمؤمنین

یعنی وفا مینمایند بنذری که در طاعت کینه میبرند از روزی که همت محنت و شدت او
فاشون آشکارا میدهند بدستی خدای عزوجل طعام با وجودی که خود محتاج اند و ایشان
در پیش پیمایه را و خود صالحی بی پدر را و اسیری را اینمطعمان بلسان مقال یا بزبان حال
مسکونید جز این نیست که میخورانیم این طعامها را برای طلب لقای باری تعالی و میخواهیم از
شما پاداشی و مکافات و سپاسی در تفسیر المتعجب و حافظی حسینی مسطور است که در سبب نزول
آیات بنیات سور قسطل اتی جمهور مفسران متفق اند که روزی سید المؤمنین آمد و اما بن
علیهما السلام را بر نفس دید مرضی و سیده النساء را گفت نذری کنسید تا فرزندان شما محنت
ایشان نذر کردند که سه روز روزه گیرند حق سبحانه و تعالی سبطین را شفا بخشید ایشان روزه
گرفتند و مقداری جو قرض حسنه گرفته آرد کرده و نان بچته چون نماز شام خوانستند افطار کنند
سکینی بدر خانه آمده گفت یا اهل البیت انا مسکین یعنی مرا طعام دهید که حق سبحانه شما
در وقت لقای خدا در غرض گرفتند فرمایند امیر المؤمنین نصیب خود بدان مسکین داد و سایر
اهل بیت نیز موافقت نموده بآب خالص روزه گزیده و شب بطاعت گذرانیده و بکر روز
روزه گرفتند باز وقت افطار شبی بدر خانه آمده سؤال کرد طعامی که بود ایشان کردند شب
ستوم نیز اسیری بر وقت ایشان رسید آنچه از اطعمه بود با و داده و بآب خالص لفظ غزوه
تمام شب بطاعت الهی بسر بردند بعد از آن سوره مسراتی نازل شد و خدی از اکابر
نیز از ابعسی خبر میدهند شاه قاسم انوار گوید الا ایشمنشا ملکاکیرا علی
الحق تولى مومنازا امیرا بنقض کلام و حدیثک پمبر و نئی و وقتى خدای نبی را تو را عیتوان
خواند انسان کامل که استی بمعنی سیدنا جبرئیل جو کردی او اصوم یوفون بالندرس

شدی این از شیره مستطیرا بود بطعمون الطقام آنکه دوی بسکین دیگر نیشیا اسیرا ز آقا
 مخاف از خدا کشتی این زیونما عبوسا و از قطرزا شیخ عطار گوید بسکین نانی از بهر خدا
 داد خداوند جهان سهلانی داد خواجہ عبد اللہ انصاری گوید آن شنیدی که جدر کرد
 کاوان کشت قلعه باکشا و تاندا و آن سه قرض نان جوین مفده آیت خدش نوشتا و
 سولانا جامی گوید فوج رابعه اشکورا گفت در اسرا ولی سعیدم شکورا آمد مرزا در سهلانی
 با ملایک مرزا اندر تخاون یاد کرد باز در اتنا مخافت حمد میگوید خدا امیر کاشمی گوید که
 در شب قسمت خود را امیر داد بسکین و تیم و سپر لا جوم آمد نعیم عطا در خور و ما
 سهلانی سلمان گوید ای برابر کرده ایز و با فطیلت در وفا آیه یوفون بالذکر است
 بر قولم کوا بود با ایت همسر در که صبر و شکیب کشته با چیر میل آورده خوف در جا نوح
 در شکر عبد اشکورا گفت از برای سعیدم شکورا اندر سهلانی کمال گوید دریا
 علم و مطلق دین زبده یقین خوشید سهلانی در برج لافتی منقبت قوله تعالی
 مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اسْتَدَاءٌ عَلٰی الْكُفٰرِ وَحِمَاةٌ بَيْنَهُمْ
 تَوٰاٰهُمْ وَكَفٰرًا يَدْتَمِعُوْنَ فَضْلًا مِّنْ اِلٰهِ وَرِضْوَانًا سِيّٰمًا هُمْ فِيْ وَ
 جُوْهِهِمْ مِّنْ اَثْرِ السُّجُوْدِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰتِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ
 تَرْحَمُهُمْ اَمْرٌ دَرْسْتَاوَه خدایت و آن مؤمنان که با دوی اند سحت و غلیظ اند بر کاوان
 مهربان میان یکدیگری یعنی ایشان از کوع و کسب و کوان یعنی اکثر اوقات مشغول اند به نماز
 و میطلبند فضلی از خدای عز و جل یعنی زیادتی ثواب و خوشنودی او و علاقه های ایشان
 در رویای ایشان ظاهر است از اثر سجده این وصف که مذکور شد ضعف ایشان است

در تورات و انجیل مؤلف گوید در آیه مذکوره **وَالَّذِينَ مَعَهُ** اهل تشیع و تشیع مختار است
 بعضی از اهل سنت گویند آیه مذکوره در میان خلفای اربعه رضی الله عنهم نازل شده
 بلکه تحت ترتیب غایت صوری داشته گویند **وَالَّذِينَ مَعَهُ** مراد ابو بکر صدیق است رضی
 عنه زیرا که بستیید ابرار صلی الله علیه وآله الاخیار و شب غار را هفت اختیار
 نمود و امتداد علی الکفایت و صفت عمر بن الخطاب رضی الله عنه در مساحت و مجاله
 او با اهل شرک و نفاق علماء اتفاق است **وَوَحِيَّاءَ بَيْنَهُمْ** وصف عثمان بن عفان
 رضی الله عنه که او موصوف بصفات صلوات رحمة بود و چنانچه مشهور است معروف است
وَتَرَاهُمْ و **وَكَمَا مَجْتَدًا** تا آخر بیان حال مرتضی علی است کرم الله وجهه که اکثر اوقات
 بوظایف طاعات و عبادات میگذشت بر تبه که هر شب هزار تکبیر حرام از
 خلوت بسهم خادمان علیه عالیهاش میرسید و با اعتقاد اهل تشیع از **وَالَّذِينَ مَعَهُ**
 تا متقدم فی الانجیل در شان امیر المؤمنین علی نازل شده و هم از کتب معتبره اهل سنت
 حجتی ظاهری و دلایل باهره بسپیل سند آورده به ثبوت رسانند که **وَالَّذِينَ مَعَهُ**
 مراد ذات عالی صفات امیر است زیرا که اول کسی که با پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
 گذارده او بود چنانچه در کتاب صحفوة الزلال هم از امیر المؤمنین مرویت که گفت
صَلَّيْتُ مَعَ الرَّسُولِ لَمَّا سَبَعُ سَنَةً قَبْلَ أَنْ يُسَلَّمَ أَحَدًا او بصحبتی احدی دور
 صحیح زندی از ابن عباس رضی الله عنهما منقول است که گفت **أَوَّلُ مَنْ جَلَسَ مَعَهُ**
الْبَنِيُّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ و غیر از این شرف و قرب معیت و اتحادی که بحسب ظاهر
 و باطن امیر المؤمنین را بستیید المسلمین است هیچکی از اهل بیت عظام و صحابه

ارام را در آن مشارکت نیست چنانچه حدیث کنت انا و علی نوراً بین ید ید الیک
 مطیعاً شیخ الله ذالک النور وقد سد قبل ان یخلق ادم او لعتة
 عتس الف عام الی آخره مجرب یعنی است و گویند چون امیر شوله شد رسول او را غسل داد
 و در کنار گرفته و زبان مخرجه آن خود را در دهان باران نش نماوه و اول چیزی که امیر تناول
 نموده لعاب دهان مبارک رسول الله است چنانچه در شواهد البتوه می آورده که روزی بر
 زبر میبر گفت پرسید از من ما در ای عوش که در میان پسوی من علوم بسیار است این
 اثر لعاب دهان خیر البشر است و همچنان در کنار فیض آثار استید ابرار پرورش می یافت
 است کما می که سرور سیده النصارا بوی داده حجره نعین فرمود و در تمامی خودات علم
 سید کانیات بدست او بود و در آخرت لای اجمد نیز بدست او خواهد بود و در سیر
 المعراج همراه بود و چون السرور در میان صحابه و در مرتبه عقد مواخاة منعقد گردانید او را
 هر دو نوبت با خود عقد اخوة بست چنانچه بکنوت فرمود انت اخي فی الدنیا
 و الاخری نوبت دیگر گفت انا اخوک و در زمان شکستن بتان بر دوش مبارک
 رسول بود و در وقت مبارک نیز همراه بود و السرور را بعد از رحلت غسل داد و تحفین نمود
 و بغیر در آورد و اول شخصی که بر جنازه پیغمبر نماز گذارده و آخرین کسی که از قبر بیرون آمده او بود
 و امتداد علی الکفار نیز وصف ذات فایض البرکات است زیرا که آیه مذکوره در عرایض
 بعد از قح نازل شده و سبب نزول در کل لغایب و صحاح ستمه و شکوة و غیره چنین معلوم است
 که السرور صلی الله علیه و آله سلم بکبرته ابو بکر صدیق و دو دفعه عمر بن الخطاب را رایت و علم داده و
 از صحابه که با بچنگ روانه کرده و ایشان روی بغزار آوردند پس السرور فرمود آذ نعین

الثَّوَابَةُ عَلَى وَجْهِ كَوْنِهَا خَيْرٌ مِنْ رَأْيِهَا وَرَأْيُهَا خَيْرٌ مِنْ رَأْيِهَا وَرَأْيُهَا خَيْرٌ مِنْ رَأْيِهَا
 حق پرست امیر المؤمنین داود روانه فرمود و آن فتح بدست امیر شد و در شرح الاقریه آمده
 که امیر راستی را بر آفران خواند که بنگر از حسد برآوردی و فرات نمودی از آنچه است که
 سبب است از روح آریه شهبه روی که در هیچ سبب روحی است نداده و شیری که بسبب روحی
 است نیارده و آن بر روی سبب لغوه لشکر او و پاره سبب و آن صغری که بیک حمله نه
 تمامه دو باره می افتد و آن آینه کافی الله المؤمنین الغتال که در شان امیر بزرگ
 آورده و ما زایل شده و در صدها عجز شده نیز مجزا معنی است که مراد از استخوان علی الکفا
 امیر المؤمنین علی است و گویند و حَمَاءٌ بَيْنَهُمْ تَبَرُّ تَوْصِيفٌ زَاتٍ وَالْاَصْفَاتُ امِيرًا
 و وصف عثمان بن عفان رضی الله عنه زیرا که از فوط صلح رجم او مخالفت و مناخعت میان صحابا
 و مؤمنان بر نهدی رسید که زید پسر نذیر اللغه دعوی خلافت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 نمود و چه ظلم است و استخوان بر آسین معطی نکرد و اینهمه خرابی از دوستی مردان حکم کرد
 کرده سید القطن و شجر بن رضی الله عنهما بوده که او را وزیر خلافت حضرت رسالت است
 و معاویه را حاکم شام و ولید بن عقبه را که لشرب خمر و تنق استغال است و الی کوفه کرده اند
 عزیز می گوید که سلطان را باید نفس بر او بر مردم مسلط سازد که از نفس برود هر نیاید و بی مهر سرد
 نشاید و مردان مذکور بسیار الناس معاصی پیش گرفته بد عثمانها و مثل در بان بر زرد شدن
 پکناه قنصل محمدانی بکر رضی الله عنهما اقدام نمودن علی بن العباس و بالاخره کار بجائی رسانید که
 اگر صحابه و غیره متفق گشته خلیفه زکشتند چنانچه مشهور است و در اکثری از کتب معتبره منداو که
 پس بنابرین و حَمَاءٌ بَيْنَهُمْ فَاصِدٌ امیر المؤمنین است که چون بصرت و فیروغی

بر سر بر خلافت جلوس فرمود بد عثمای مذکور بر طرف کرده تا بود و جز آثار و جوافطی نمود چون
 این پیش تکلیف تناول نمودن طعام کردند کفنی ملاحظه دارم مبادا در عهد من کسی گزیند
 مانده باشد من سیر باشم و در تفسیر حافظی در شرح سوره فاتحه مسطور است که روز جمعه میرالمؤمنین
 بر غیر خطبه میفرمود جامه کهنه برپوشد و بر پشت و بانه لیف خرماشمشیری در دست عبد الله
 عباس نجا طر آورد که این مناسب حال استوده مال امیرت است انحضرت لعلم ولایت برآورد
 بشرف گشته فرمود بد رستی که چند ان رقع بر رقعه دو زانیدم که از دو زنده آن منفعل شدم
 علی را بازینت دنیا چکار که کل او خاریست و نوششیش باز و چگونه شاد باشم لذتی که بماند
 زمانی بسر آید و معرض فنا در آید چگونه سیر نورم که در ولایت حجاز شکمها گزیند بود و چنان
 راضی شوم تا آنکه نومنان مرا امیر خوانند و مقتدای خود شوند و در شواره با ایشانشان شکیست
 باشم و از عدی بن ثابت مرویت که گفت امیر المؤمنین ارم القدر وجهه در زمان سید
 المرسلین دو جامه سطر خریده قنبر رضی الله عنه را خیر کرد و ایند قنبر یکی از آن دو جامه خستیار کرد
 و دیگری را امیر و پوشید و در روضه الشهداء علی آرد که در زمان خلافت امیر المؤمنین کرد و بعد
 از بصره تا حد سمرقند در تحت تصرف بود اما بجای متواضع بود که در بازار کوفه پیاده راه میر
 بود و می که بمحاطات و نیوی اشتغال داشتند از امیر خود واقف گشتندی چون بروی ابوبه
 کردند می میگفتی ای نومنان علی را راه دهید چون مردم او از دلنوارش را استماع می نمودند
 راه میدادند و چون در سنی تویمم و کتایم جدا تا آخر که باتفاق علمای ذیقین در شان
 امیرت تامل میکنم بتر صریح دلالت میکند که از والدین منع تا مثلکم فی الایجابیل تمام در
 شان امیر المؤمنین نازل شد زیرا که حق سبحانه میفرماید می بینی ایشان را رکوع و سجود

گفتند کان یصلبند فضلی از خدای و علامتهای ایشان در روپها ایشان هویدا و آشکار است
 از اثر سجده و این وصف که مذکور شد صفت ایشان است در تورات و انجیل و حال آنکه
 نام مسیح یکی از صحابه نظام رضی الله عنهم ثبت است و بجز نام نامی شاه اولیا در تورات ایلیا و
 انجیل شش قطب است و اگر در انجیل معترضی زبان اعتراض شاید که از **وَالَّذِينَ تَبِعُوا تَائِبِينَ** صیغه
 جمع واقع شده بر یکفرد چگونه است آید جواب است که از جهت تعظیم حق سبحانه و تعالی
 چنین یاد کرده چنانچه در آیه کریمه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ**
 گفتند و حال آنکه در آیه کریمه اختلاف راه است چرا که پنجگن بجز امیر المؤمنین در رکوع
 صدقه نداده و چون کنایه ابلغ من التصحیح و اب عرب است بنا بر این حضرت همچون
 کنایه داشته مشکلم شده تا هر که سعادت مند ازلی بود بمقصد اصلی راه برده و قایق حقایق
 کلام ربانی بدانند و آنچه شقی الاصل باشد بطالب اسرار نهانی پی نبرده و مبتلا ثقیات
 در حجب نفسانی ظلمانی بماند و اگر خواهم با وجود دلایل مذکوره رعایت صیغه جمع کنیم
 پس بقول اهل سنت **وَالَّذِينَ تَبِعُوا تَائِبِينَ** بر یکیک فرد صادق آید بنا بر این بگوئیم
 در شان آنایک در آن غزا حاضر بودند نازل شده بر این تقدیر هم نسبت با امیر المؤمنین
 با اوصار است و نسبت با صحابه بیعت چرا که حق سبحانه و تعالی الکفار میفرماید
 و در آن غزا اگر صحابه روی بفرار آوردند و فتح خیر بدست امیر المؤمنین کرم الله وجهه شد
 و این نیست طلب است **وَهُوَ عَيَّانٌ لَا يَخْتِاجُ بِالْبَيِّنَاتِ** منقست
قَوْلَ تَعَالَى مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا نَكُذِّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ یعنی بیابند حق سبحانه و تعالی

در بای نور را در حالتی که طاقی با هم اند میان ایشان بر حقی است که از حد تجاوز نکند پس کس
 نعمتای پروردگار خود تکذیب میکنند بر می آید از آن دو در پارو وارید و مرجان در کتاب شیخ
 الشیوخ شهاب الدین سهروردی و تفسیر نموده و در روایت سعد بن جزو سلیمان فارسی است
 سفیان نوری رحمه الله علیه مسطور است که مراد از مرجع الحجتین مرتضی علی است و فاطمه و زینب
 فرخ محمد مصطفی و از اولاد و المرعان حسن و حسین علیهم الصلوة و السلام مؤلف
 اگر کسی اعتراض کند که در اول باب چنین مسطور شد که آیاتی که مخصوص بامیر المؤمنین است
 ذکر کرده می شود و حال آنکه بعضی آیات مخصوص بذات امیر است بلکه حمزه و عبیده و سلمان
 و غیر هم داخل اند جواب است که چون امیر المؤمنین مقتدا و پیشوای امت است نزول
 مثال این آیات نسبت بامیر با اصاله است و دیگران با المتابعه پس همانا که مخصوص
 آنحضرت کرم الله وجهه بوده باشد **باب دوم** در بیان احادیثی که مستند
 امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله است در مناقب امیر المؤمنین کرم الله وجهه سروده و
 در کتب فایض البرکاتش با حسن وجه ستوده و هر حدیثی که در این مجموع مسطور است نمود
 نماید که بکتاب معتبره و جامع و راوی آن منسوب کرده شد اگر خطره مضموره خاطر فاطمه کس خطره
 کند آن کتب را بدست آورده و دفع خطره نماید و به تحقیق یقین کامل حاصل است هرگاه آنجا
 که در کتب معتبره متداوله توارد یافته و جمع علماء و فضلا و عجم بر ایرادش متفق باشند بلا
 و ارباب میرت و ایشایه وضعی استثنای بکتاب اصلی است **قال النبی**
صلی الله علیه و آله سلم کنت انا و علی نوراً بین یدی الله و طبعاً یسبح
الله طبعاً یسبح الله ذالک النور و یقصد سُدُّ قَبْلِ اَنْ یَخْلُقَ اَدَمَ اَرْبَعَةَ

عَشْرَ أَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَكَبَّرَ ذَلِكَ النُّورَ فِي صُلْبِ فَكَمْ نَزَلَ بِقَوْلِهِ
 مِنْ صُلْبِ حَتَّى أَقْبَرُوا فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَتَقَسَّمَتْ قِسْمَيْنِ فَصِيْرَةٌ تَسْمَى فِي
 صُلْبِ أَبِي طَالِبٍ فَعَلَى مَتْنِي وَأَنَا مِنْهُ **ترجمہ** در کتاب اربعین ابوالمکارم حضرت
 الداعی و نزل السائرین شرف الدین در کتبی الشافعی و مناقب خطیب خوارزم و مؤدب
 میر سید علی ہمدانی و سند احمد بن حنبل و ابوالانساب جعفر بن اسمان فارسی رضی اللہ
 عنہم روایت کہ گفت رسول ما و علی یک نور بودیم و آن نور بدرگاہ خداستعالی فرودسبل طاقت
 تسبیح تقدیس میکرد پیش از آنکہ آدم را بیافریند بچهار روز ہزار سال چون آدم را آفرید آن نور
 در صلبش تعبیر کرد و لایزال از صلبی بصلبی منتقل میساخت تا در صلب عبدالمطلب قرار داد پس آن
 نور را بر دو جزو قسمت کرد قسم مراد صلب عبد اللہ قرار داد و قسم علی را در صلب ابی طالب
 پس علی از دست و من از علی ام **منقبت** قوله تعالی قال البتہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ان
 اللہ تعالی خلقنی وعلیاً من نور واحد بین یدی العرش سبحان اللہ تعالی
 وبقدرتہ قبل ان یخلق آدم بالفی عام فلما خلق آدم سکنا فیہ ثم نقلنا
 من صلب طیب و بطن طاهر لانہیک فینا حاملہ الی صلب نوح ثم نقلنا
 من صلب طیب و بطن طاهر لانہیک فینا حاملہ الی صلب ابراہیم حتی
 وصلنا الی صلب عبدالمطلب فصار قسمن قسمن فی عند اللہ و قسمن فی
 الی طالب فخرجت منه وخرجت منه علی ثم اجتمع نور منی و من علی فی قلم
 طمہ و الحسن و الحسین نوذان من نور رب العالمین **ترجمہ**
 در صحیح بخاری و ہدایت السعداء روایت عبد اللہ الضاری مطویرت کہ گفت رسول خداوند

مراد علی را از یک نور آفرید میانه عرش که شمع و تقدیس میگفت آن نور خدا می را پس از
 آنکه آدم را بیافریند مددی بسیار جوان آدم را آفرید مد ساکن شد و در صلب آدم
 پس انتقال نمودیم در صلب ستمگر زان و نور در میان حجابی تا آمدیم در صلب نور علیه السلام
 و باز نقل کردیم از صلب و پیش پان بود در میان ما حجابی تا صلب ابراهیم علیه السلام
 تا آنکه در صلب عبدالمطلب پیشگشت آن نور دو قسم یک قسم در صلب عبد الله
 ثواب یافت و قسم دیگر در صلب ابی طالب پس بر آدم من از پشت عبد الله و علی از پشت
 ابی طالب پس جمع شدند و علی در خاطر و حسنین دو نور اند از نور پروردگار عالمان
 حدیث مسطور در خزانه اجدادیه باین عبارت آمده نصار نصفین نصف الی عبد الله
 و نصف الی ابی طالب فخلقنا من جودنا الا نوار کلها من جودی و نور
 علی یعنی پیشگشت آن نور دو نصف نیمه در پشت عبد الله جا گرفت و نیمه در پشت
 ابی طالب پس پیدا کرده شده ام من از جودی و علی از جودی پس همه انوار از نور من و علی
 و در تمسیدی آرد که وقتی مرتضی علی پیش مصطفی آمد رسول گفت مر جانا یا اخی و این عتسی و
 الی یعنی بیده خلقنا انا و هو من نور و هم یعنی خوشی و خرمی با و برادر من و پس
 هم من قسم بانکه نفس من بید قدرت او است که پیدا کرده شدیم من و او از یک نور
 مشقبت قال البیهقی صلی الله علیه و آله وسلم مکتوب علی باب الجنة اذ قال
 الا الله محمد الرسول الله علی آخ و رسول الله قبل ان یخلق الله السموات
 بالفی علم ترجمه در صحاح ستمه و مودات مسطور است که رسول گفت نوشته
 شده بر در پشت پیش از آنکه حق سبحانه و تعالی بیافریند آسمانها را بدو هزار سال که نیت آن

در حدیث مسطور
 در خزانه اجدادیه

قال النبي صلى الله عليه وسلم
 سلم إن علي متهى وأنا من علي وهو ولي كل مؤمن ومؤمنة بعدى لا يؤمن
 عني ديني إلا علي ترجمه در صحاح سنه وصواعق محرقة ابن حجر مصابيح سنه
 احمد حنبل مشكوة بروایت حبشی بن جناده مسطور است که رسول گفت بدستی که علی از
 من است و من از علی ام و ادولی و حاکم هر مؤمن و مؤمنه است بعد از من ادا کند و من است
 از من دین مرا که علی منقبست قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم الصديقون
 حبيب الجار ومومن آل بس و حشر من آل فرعون و علي وهو افضلهم
 ترجمه در شرح مصابيح وصواعق محرقة از ابن عباس مرویت که رسول گفت
 صدیقان امتها ته اند اول حبيب بنجار و دوم سر قیل استیوم علی بن ابی طالب و اول افضل
 هر صدیقان است و حدیث مسطور در بعضی نسخ باین عبارت آمده سباق الامم
 ثلاثه لم يكفوا يا الله طرفه عین علی بن ابی طالب و صاحب یاسین
 و مؤمن آل فرعون و هم الصديقون و علي افضلهم منقبست قال
 النبي صلى الله عليه وآله وسلم يا علي وانت اول المسلمين اسلاما وانت اول المؤمنين
 ايمانا وانت مني بمنزلة هارون من موسى ترجمه در اربعین ابوالکلام
 و نزل سایرین بروایت قدوه اصحاب عمر بن الخطاب و در صفة الزلال المعین برود است
 ابن عباس رضی الله عنهم مسطور است که رسول فرمود ای علی تو ای اول مسلمانان از روی
 ایمان و تو ای از من بمنزله هارون از موسی منقبست قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم
 يا علي انت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي ترجمه

در صحیح ترمذی و مسلم و بخاری و مصابیح و مشکوٰۃ و صحیفات و هدايت السعداء از سعد و قاسم
 و زید بن ارقم و در شرف النبى از اسما بنت عمیس و در مروتان از جابر بن عبد الله انصاری
 مرویست که رسول گفت ای علی تو از من بمنزله مار و نری از موسی مگر آنکه بعد از من پیغمبری
 یعنی چنانچه مار درون در فضایل و کمالات موصوف بصفات موسی بوده تو با من آنچه من
 از مرتبه نبوت که مرا حاصل است ترا نیست **منقبت** قال النبی صلی الله علیه و آله
سَلَّمَ مَا تَوَدُّونَ مِنْ عَلِيٍّ مَا تَوَدُّونَ مِنْ عَلِيٍّ إِنَّ عَلِيًّا مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ
وَهُوَ وَآلِيٌّ كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي تَرْجُمُهُ در سند بن حنبل و مسند جوزی و مسند
 حاکم و صحیح ترمذی و مصابیح و مشکوٰۃ و صواعق محرقة بروایت عمر بن حصین مسطور است که رسول
 گفت چه میخواهید از علی چه میخواهید از علی بد رستی که علی از من است و من از اویم و او حاکم و
 پسر مؤمن است بعد من **ترجم منظر مومنه علی آمد و آتی هر مؤمن اقتدا کن چون من**
 بولی سرور بسیار چنین فرمود که علی از من است و من ز علی **منقبت** قال النبی
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ **ترجم** صحیح
 ترمذی و مصابیح و مشکوٰۃ و صواعق و محرقة بروایت قتاده و عبد الله عمر مسطور است که رسول
 رسول میان دو کس از اصحاب خود برادری داد و منقضی علی را با یکس برادری داد و امیر المؤمنین
 نزد سید المرسلین آمد گفت یا رسول الله میان صحابه به برادری دادی برادر کیست رسول
 گفت ای علی تو برادری در دنیا و آخرت در سند بن حنبل مسطور است که فرمود **إِنَّمَا
 فَرَّقْتُكَ لِنَفْسِي أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ فَإِنْ ذَكَرَكَ أَحَدٌ فَقُلْ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ
 وَأَخِي رَسُولُ اللَّهِ لَا يَدَّعِيهَا بَعْدَكَ إِلَّا كَذَابٌ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْأَخِي مَآ**

اخترتك الا لنفسي وانت بمنزلة هارون من موسى نحو انك لاني بعدي
 وانت وارثي يعني ای علی من ترانگد اشتم مکر از برای خود تو برادر منی ومن برادر تو
 بعد از این اگر کسی ترا یاد کند بگو من منبده خدا و برادر رسولم کسی دعوی بر او نمی کند
 غیر از تو مگر کذابی و بحق آن خدا که مرا بحق بخلق فرستاده که من ترا اختیار نکردم الا برای
 خود و تو از من بمنزله هارون از موسی بغیر از آنکه از من پیشتر می دیگر نیست و تو میراث خود
 منی منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم أول هذه الأمة وودك
 علي الخوض أولها إسلاماً وهو علي بن أبي طالب در استیعاب بروایت سلمان
 فارسی رضی الله عنه مطور است که گفت رسول خدا اول این امت که وارد شود بر حوض کوثر اول
 این امت است از روی اسلام دان علی بن ابی طالب است و حدیث مذکور هم در استیعاب
 همین عبارت نیز آمده که اول کم عدد و اعلى الخوض أولكم إسلاماً وهو علي بن
 أبي طالب منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم لعلي أنت مني وأنا
 منك ترجمه در صحیح مسلم و بخاری از برابن غازی مرویت که رسول گفت عمار
 تو از منی ومن از تو منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم من اذني علي
 يبعث الله يوم القيمة يهودياً او نصرانياً ترجمه در سند احمد بن حنبل
 که رسول گفت کسی که بر بخاند علی را خدای تعالی او را جو دیار شایع کند منقبت
 قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم علي مني وأنا من علي حيث نكون یعنی در
 اربعین بروایت ام سلمه رضی الله عنها مطور است که رسول گفت که علی از منست ومن
 از اویم هر جا که باشم منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم ^{انا لله} وعلى الهما

وَيَا عَلِيَّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ **ترجمہ** در فردوس الاخبار از ابن
 مسعود و در اربعین از ابن عباس و در مودات از جابر رضی اللہ عنہم مرویت کہ رسول
 گفت من ہم کنندہ ام خلافت را و علی است مادی و بتو ای علی عتد بان ہدایت یا
ترجمہ بنی آن رہبر ہدی فرمود کہ منم منذر و علی مادی بعلی بی کفہ **مقصود**
 منبر و رہ نورد ہر وادی مؤلف کوید حدیث مذکور مطابقت باید کریمہ اینست
أَمَّتْ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ مُنْقِبَتٌ قال البیهقی صلی اللہ وآلہ وسلم
 إِنِّي أَقُولُ لَكُمْ كَمَا قَالَ أَخِي مُوسَى اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ عَالِيَتَا أَخِي
 أَشَدُّ دِيَارِي وَأَشْرَكَ فِي أَمْرِي **ترجمہ** در سند احمد بن حنبل
 ہدایت التعداد مسطور است کہ رسول فرمود بدستی کہ پیمان میگویم کہ بر اورم موسی
 بار خدا یا بگردان برای من اسل من وزیر علی را کہ بر اورم است پشت مراقوی کن بودی
 و اور اور کار من شریک ساز **منقبت** قال البیهقی صلی اللہ وآلہ وسلم أَنَا
 أَمْرِي بِي إِلَى التَّهْنَاءِ إِذَا عَلَى الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
 اللَّهِ أَيْدِي بَعْلِي **ترجمہ** در کتاب شفاء قاضی ابو الفضل نجفی و فصل
 خواجہ محمد پارسا از ابو احمر مرویت کہ رسول فرمود شب معراج برابر آسمان برد
 ناکاہ دیدم بر عرش نوشته بود لا ایل الا اللہ محمد رسول اللہ ایدت بعل
منقبت قال البیهقی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مَثَلُ عَلِيٍّ فِي الْبُشَاكِلِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فِي الْقُرْآنِ **ترجمہ** در اربعین و فردوس الاخبار
 مسطور است کہ رسول فرمود مثل علی در او میان چنان است کہ مثل سورہ اخلص در قرآن

یعنی چنانچه سوره اخلاص اشرف سوره قرآن است چه دلالت میکند بر وحدت ذات و معرفت
 صفات الهی که اشرف همه ذات و صفات است همچنان علی در میان خلایق ^{فضل} اشرف است
 و در جمیع کمالات جمید و یگانه **ترجمه** منظر مومه علم قرآن علی رساند بخلق
 بقرآت سبده آمد از آن نسبت ذات او بزمره خلق است چون قل هو الله در قرآن
منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ
 الذَّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ الْبُخَارُ وَالْحَطَبُ **ترجمه** در اربعین ممودات از عبد الله
 بن عباس رضی الله عنهما روایت که رسول فرمود دوستی مرتضی علی کنانان را بخورد و
 میگرداند چنانچه آتش میزیم را **ترجمه** منظر مومه است شاه ولایت آتش وار
 اکل حمزه کنانان است جویم ما میزیم است و میوزد میزیم از آتش که سوزان است
منقبت قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم قِنِيمَةُ الْحِكْمَةِ فِي تِسْعَةِ أَجْزَاءٍ
 فَأَعْطَى عَلِيٌّ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ وَالثَّامِسُ جِزْرًا وَوَاحِدٌ **ترجمه** در تفسیر ^{از} ثعلبی
 عبد الله مسعود رضی الله عنهما روایت که شخصی سؤال کرد از رسول خدا که چه میگوئی در حق علی
 انسرور فرمود قسمت کرده شده حکمت برده جزو پس داده شد با علی نه جزو و یک
 بهمه جهانیان **ترجمه** منظر مومه مصطفی گفت کرده شد قسمت حکمت آن بیع
 هزارا بوده جزو داده شد آن ده نه علی را یکی دیگر را **منقبت** قال النبي
 صلى الله عليه وآله وسلم أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ
 الْبَابَ **ترجمه** در صحیح ترمذی و حلیه الاولیاء برابر و اوسط طبرانی از جابر روایت
 و در متواتر و مستدرک حاکم و صواعق محرقة از امیر المؤمنین روایت که رسول فرمود

من شهر علم و علی در آن پس کسی که خواهد علم را که از دور شهر بیاید یعنی حکم و اتو البیت
 من ابوابها بی آنکه نوسان کنند با میر مکن دست بهره یافتن از رسول که در حرمه
 منظر طومره بر علم و عمل چه گفت که من شهر علم علی دست مرا هر کسی که علم بیاید
 که در آید بصدق از درگاه منقبت **قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم** **أنا ذوالحكمة**
وعلی بابها شرح ترمذی و مسند یک حاکم مشکوٰه و مصابح و حلیه الاولیاء
 و صواعق محرقة از امیر المؤمنین مرویت که گفت رسول من سرای حکمت علی در آن سرای هر که
 خواهد در سرای حکمت شود باید که از در سرای در آید و اگر نه حکم و الشارق و الشارفة
فاقطعوا أیدیهم است امید از در امن مقصود کوتاه گرداند **منقبت** **قال النبي**
صلى الله عليه وآله وسلم **حق علی هذه الأمة** حتی الوالد علی و ولد حرمه
 و اربعین از جابر انصاری مرویت که رسول فرمود حق علی بر این امت همچو حق پدر است
 بر فرزند خود یعنی چنانکه پدر سبب حیات صوری فرزند است همچنان امیر المؤمنین
 سبب حیات معنوی این امت که تغییر بعلم کرده میشود بر آن نیکنختی که قدم اخلاص
 و اعتقاد بر جاوه متابعت امیر نهد و سخنش بسمع و جان و دل استماع نماید و علم
 حقایق و معارف که وی سر موده بداند و بدان کار بندد و بکلمات ابدی و غیر موقوم
 نایز گشته بحیات سرمدی **المؤمن حتى فی الدارين** مخصوص کرد **منقبت**
قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم **اعلم أمتی علی بن ابی طالب** یعنی دانان برین امت من علی
 بن ابی طالب است **منقبت** **قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم** **أنا میران العلم وعلی کفشاء**
الحسن و الحسین خیر طه و فاطمة علاقه و الائمة عموده یوزن بر أعمال الجین و البغضین

اثنا عشر جمبه هم در کتاب مذکور بر روایت ابن عباس رضی الله عنه مسطور است که رسول فرمود
 من ترازوی علم و علی برود و گفته آن حسن حسین رشتها و فاطمه علاقه و دیگر امامان عم و آن درین
 کرده میشود باین ترازوا اعمال دوستان و دشمنان **ما منقبت** قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم
 علی اقصی امتی **شرجمبه** در صحیح ترمذی از امیر المؤمنین حسین علیه السلام و در استیعاب ابوی
 سعید خدری رضی الله عنه مرویست که رسول گفت عادل تر است علی بن ابی طالب است
منقبت قال النبی صلی الله علیه و آله بسم من احب علیا فقد احبنی و من ابغض
 فقد ابغضنی و من اذی علیا فقد اذی و من اذی فقد اذی الله سره **شرجمبه**
 در سند ابوی علی و سند بزار و صواعق محرقه و استیعاب از سعد و قاص مرویست که رسول فرمود کسی که
 دوست دارد و علی را پس تحقیق دوست دارد و مرا و کسی که دشمن دارد و علی را پس تحقیق دشمن دارد و مرا
 که بر بخاند علی را پس تحقیق بر بخاند مرا و کسی که بر بخاند مرا پس تحقیق بر بخاند خدای عز و جل **ما منقبت**
 قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم یا علی اوتیت ثلاثا لم یوتهن احد ولا انا
 اوتیت صهرا مثلی و لداوت انا مثلی و اوتیت صدیقه مثل ابنتی و لمر
 اوت مثلها و اوتیت الحس و الحسن من صلیک و لمر اوت من صلی مثلنا
 و لکنکم منی و انا منکم **شرجمبه** در شرف النبی از ابوالحکم مرویست که رسول فرمود
 یا علی داده شده مرا از سه فضیلت که داده نشده بچس از خلائق را و نه مرا اول آنکه خضری همچون
 بتوارزانی داشته شد و مرا انیت دوام منکوحه چون فاطمه دختر من ترا هست و مرا انیت بتو
 فرزندان چون حسین از صلب تو ترا هست و مرا انیت لیکن شما یعنی علی و فاطمه و حسن
 حسین از من هستید و من از شما بم و حدیث مسطور در بحر الدرر باین عبارت منظر در آمده که یا علی

أَنْكَ اعْطَيْتَ لَنَا وَلَمْ اعْطِ اعْطَيْتَ ضَهْرًا مِثْلِي وَلَمْ اعْطِ وَاعْطَيْتَ مِثْلِي
 فَاطْمَئِنُّوْا وَلَمْ اعْطِ وَاعْطَيْتَ مِثْلَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَلَمْ اعْطِ مَنْقَبَتَ
 قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ إِلَى نُوحٍ فِي
 قَهْمِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي زُهْدِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي بَطْنِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 شَرِّهِمْ وَرَاصِحِ وَأَقْدَامِي مِنْ أَبَوَائِهِمْ أَمْ رَوَيْتَ كَمَا رَوَى كَسْبُكَ خَوَابِدُ أَيْنِكَ نَظَرَ كُنْتُ بِآدَمَ
 عِلْمَ أَوْ نُوحٍ وَرَافِعِ أَوْ دَبِيحِي وَرَزْهَدِ أَوْ دَبِيحِي وَرَوَيْتَ أَوْ بِرِيسِي وَرَوَيْتَ أَوْ بِرِيسِي بَابِ كَيْفَ نَظَرَ كُنْتُ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ وَحَدِيثُ مَذْكَورٌ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ سَمِ مِنْ أَبَوَائِهِمْ أَمْ رَوَيْتَ كَمَا رَوَى كَسْبُكَ خَوَابِدُ أَيْنِكَ نَظَرَ كُنْتُ
 آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي تَقْوِيهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي
 وَإِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَبِهِ قِيَامُ سَائِرِ كَمَا رَوَيْتَ بَابِ
 عِبَارَتُ رَوَيْتَ كُنْتُ كَمَا رَوَى كَسْبُكَ خَوَابِدُ أَيْنِكَ نَظَرَ كُنْتُ بِآدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي تَقْوِيهِ
 وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ
 إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَجَوَاهُ الْأَخْبَارُ وَهُدَايَةُ السُّعَدَاءِ بِإِنْبِعَابِهَا مِنْ أَرْجَائِهِمْ رَوَيْتَ كَمَا
 مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى لِرَاقِبِ فِي هَيْبَتِهِ وَإِلَى مِنْكَابِئِلَ فِي رِقَبَتِهِ وَإِلَى جِبْرِائِيلَ
 فِي جَلَالَتِهِ وَإِلَى آدَمَ فِي سَلَامَتِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي خَشْيَتِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي مَخْلَقَتِهِ
 وَإِلَى يَعْقُوبَ فِي حُرْمَتِهِ وَإِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالَتِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي مُنَاجَاةَتِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ
 فِي صَبْرِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي زُهْدِهِ وَإِلَى يُوسُفَ فِي سَتْرِهِ وَإِلَى عِيسَى فِي وَدَعِهِ وَإِلَى مُحَمَّدٍ
 فِي حَسَبِهِ وَخَلْقِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّ فِيهِ سِتْعِينَ خَصْلَةً مِنْ خَصَائِلِ الْأَنْبِيَاءِ
 جَمَعَ اللهُ فِيهِ وَلَمْ يَجْمَعْ أَحَدًا غَيْرَ شَرِّهِمْ كَقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ

در بیت او و بسوی میکائیل در رتبه او و بسوی جبرئیل در بزرگی او و بسوی آدم در درستی او و بسوی نوح در درستی او و از خدای عز و جل و بسوی ابراهیم در دوستی او و بسوی یعقوب در اندوه او و بسوی یوسف در حسن او و بسوی موسی در از کفتن او و بسوی ایوب در شکیبائی او و بسوی یحیی در زنده او و بسوی یونس در پر میرگاری او و بسوی عیسی در عبادت و سنت او و بسوی محمد در بزرگی حسب و خلق او پس گویند بسوی علی بدرستی که در او نود خلعت است از خصایل پیغمبران که جمع کرده خداوند سبحان در او و نه در غیر او **منقبت** قال النسبی صلی الله علیه وآله وسلم **عليٌّ مَهْنِدٌ** في ذاتِ الله اى عليه خير **ترجمه** در استبعاد مطوب است که بول فرمود علی عندئذ است در ذات خدای تعالی یعنی نیک و اناد آگاه **منقبت** قال النسبی صلی الله علیه وآله وسلم **ايُّهَا الثَّامِسُ لَا تَشْكُوا عَلِيًّا فَاِنَّهُ لَا يَحْسُنُ فِي دِينِ اللَّهِ** **ترجمه** در حلیه الاولیاء بروایت ابو سعید خدری مطوب است که بعضی از مردمان شکایت ابراهیم بنی کرم الله وجهه پیش رسول کردند رسول گفت مردم شکایت علی نکنید بخدا که او تحقیق درشت است یعنی محکم در دین و یکانه برای خدا چون در اقامت قواعد اسلام سعی کند از ملامت بیج آزرده نیندیشد **لَا يُخَافُونَ لِقَاءَهُ** **ترجمه** صفت است و اشتداء علی الکفار و دشان او در حدیث مسطور در صواعق خود **عالم** از راوی مذکور باین عبارت مرویت که **لَا تَشْكُوا عَلِيًّا فَاِنَّهُ لَا يَحْسُنُ فِي** ذاتِ الله اوفی سبیل الله **ترجمه** شکوه علی نکنید بخدا سوگند که تحقیق او بر تنده تر است در ذات خدا یا در راه خدا **منقبت** قال النسبی صلی الله علیه وآله وسلم **لَا يَحِبُّ عَلِيًّا مُنَافِقٌ وَلَا يَبْغِضُهُ مُؤْمِنٌ** **ترجمه** در بسند

احمد بن حنبل و صحیح ترمذی و مشکوٰۃ از امام مسلم رضی اللہ عنہما مرویست که رسول گفت دوست
 نمیدارد علی را منافق و دشمن نیدارد مومن و در صحیح مسلم و صواعق محرقة از امیر المؤمنین کم
 الله وجهه منقول است که گفت با آنکه رو بیایند و آنه و پیدا کرد خلق را بدستی که عهد کرده است
 رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم من که دوست نیدارد و مرا مکر مومن و دشمن نیدارد و مرا مکر منافق
منقبت قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم لا تسبوا علیاً فانہ ممسوس فی
 ذات اللہ عزوجل **ترجمہ** در علیہ الاولیاء بروایت کعب بن عجره مسطور است
 کہ رسول گفت علی است مکنید و بد مگویند کہ او مسوس است در ذات خدا **منقبت**
 قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم من سب علیاً فقد سبنی **ترجمہ**
 در مستدرک حاکم و مسند احمد بن حنبل و صواعق محرقة بروایت امام مسلم رضی اللہ عنہما مسطور
 کہ رسول گفت کسی سب کرد علی را پس تحقیق سب کرد مرا **منقبت** قال النبی صلی اللہ علیہ
 وآلہ وسلم النظر الی علی عبادۃ **ترجمہ** در معجم طبرانی و مستدرک حاکم و صواعق
 محرقة و بحر المعارف از ابن مسعود و در فصل الخطاب از ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہما مرویست
 کہ گفت رسول خدا نظر کردن بسوی مرتضی علی عبادت است **ترجمہ** **منظومه** تا یکی
 در اطاعت و کران دست بندی بسینه هر ساعت در متاب از اطاعت شاهی که نظر
 بر خورش بود طاعت **منقبت** قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم علی یطهر فی
 الجنۃ لکواکب الصبح لاقبل الدینا **ترجمہ** در صواعق محرقة و جمع دینی و
 از انس بن مالک مرویست کہ رسول گفت علی چون در آید بیشت بدرخشد مانند آفتاب
 و اہل دینا **ترجمہ** **منظومه** مرتضی در بیشت جاویدان چون در آید بطالع فرود